

ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی

دوره جدید

با آثاری از:

محمد استعلامی	پال اسپراکمن
محسن حافظیان	یوسف امیری
ابوالقاسم سهیلی	مسعود حسینی پور
محمد رضا شفیعی کدکنی (برگزیده ها)	بیژن شاهمرادی
رضا قنادان	محمد علی طالقانی
احمد کاظمی موسوی	سید محمود کاشانی (برگزیده ها)
بهرام گرامی	مجدالدین کیوانی
مجتبی مجرد	جلال متینی
آزیتا همدانی	بیژن نامور

ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران
و زبان و ادبیات فارسی

دوره جدید

مدیر

جلال متینی

نقد و بررسی کتاب

زیر نظر: حشمت مؤید

بخش انگلیسی

زیر نظر: ویلیام ال. هُنوی، دانشگاه پنسیلوانیا

هیأت مشاوران پیتر چلکوسکی، دانشگاه نیویورک

جلال خالقی مطلق، دانشگاه هامبورگ

راجر سیوری، دانشگاه تورنتو

حشمت مؤید، دانشگاه شیکاگو

مشاوران متوفی ذبیح الله صفا، استاد ممتاز دانشگاه تهران

محمد جعفر محجوب، دانشگاه تربیت معلم تهران

مقالات معرف آراء نویسندگان آنهاست.

نقل مطالب «ایران شناسی» با ذکر مأخذ مجاز است. برای تجدید چاپ تمام

یا بخشی از هر یک از مقالات موافقت کتبی مجله لازم است.

تمام نامه ها به عنوان مدیر مجله به نشانی زیر فرستاده شود:

The Editor: Iranshenasi

P.O. Box 1038

Rockville, Maryland 20849-1038, U.S.A.

تلفن: ۲۵۶۴ - ۲۷۹ (۳۰۱)

فکس: ۲۶۴۹ - ۲۷۹ (۳۰۱)

بهای اشتراک:

در ایالات متحده آمریکا، با احتساب هزینه پست:

سالانه (چهار شماره) ۷۵ دلار، برای دانشجویان ۶۵ دلار، برای مؤسسات ۲۰۰ دلار

در خارج از آمریکا، هزینه پست هوایی افزوده می شود:

کانادا ۲۴ دلار، سایر کشورها ۴۸ دلار

مردان بختیاری

بخش دوم

د - پایگان مردمی:

سنجه های ارزشگذاری در پایگان مردمی در میان بختیاریان چیست؟ روی هم رفته می توان دید که جایگاه مردان (و زنان) از جایگاه طایفه ایشان در ایل دور و جدا نیست. به دیگر سخن، کارسپاری به مردان و گماردن ایشان بر سر کارها نخست، پیامد و برداری از جایگاه شناخته شده طایفه ایشان در ایل، و سپس برآیندی از کارایی و کاردانی و زبردستی ایشان است. از این رو شاید که در نخستین گام به بررسی جایگاه طایفه ها بپردازیم:

د ۱ - جایگاه طایفه ها:

می توان پذیرفت که طایفه هسته ایل است.^۱ از همین روی هنگامی که دو بختیاری ناشناس به یکدیگر برسند نخستین پرسش این است: چه کسی؟ (از چه طایفه ای هستی؟) سپس چنانچه یک دیگر را در خور یافتند نام و دیگر شناسه ها را به همدیگر می گویند. هم از این روست که هموندان هر طایفه ای را نمی رسد که اسب داشته سوارکاری کنند، چنان که یاد کردیم. بر این پایه چنین می نماید که واگذاری کارها و پیشه ها بر بنیادی از پیش پرداخته استوار است. یعنی همه کس (= طایفه) را نمی رسد به هر پیشه ای بپردازد. از این رو می توان پذیرفت که پیشه و هم ارج هر مردی یکسره به ارج و جایگاه طایفه اش در میان ایل بستگی دارد.

هر چند امروزه سامانه اداری کهن ایل کم و بیش فرو ریخته است، چارچوب آن همچنان در بینش بختیاریان برجاست. پس جای آن دارد که جایگاه طایفه در نمودار سازمانی ایل را بشناسیم:

نمودار سازمانی	نمونه	سرپرستی
ایل	بختیاری	ایلخان ایلبیگ (دستیار ایلخان)
شاخه	هفت لنگ - چهارلنگ	خان
باب	بختیاروند، بابادی...	خان
طایفه (=گس)	کیارسی، منجری...	کلانتر
تَش	مُحَب،...	کدخدا
اولاد	یزدی (خانواده هایی از پشت میانی یگانه)	ریش سفید
گُر - بُوو (پدر و پسر)	رستم (+ پسر و خانواده)	بُو. (پدر)
هُونه وار (خانوار)	علی (+ خانواده)	مرد
مال	جای زندگی و کوچ گروهی	
	از بستگان	سَر مال یا گُهپ مال

هر چند هر رده از سوی رده بالاتر بر گزیده می شوند، روال چنان بوده است که جایگاه پدر به پسر سپرده شود. برگزیدن ریش سفید بر پایه پذیرش همگانی ست و نیکنامی، دانایی، خردمندی و آهستگی برگزیده، سنجۀ داوری ست.

از آن جا که ساختار ایل، ساختاری ارتشی وار بود، هنگام جنگ همین سران و پایوران در رده های گوناگون فرماندهی جنگی جای می گرفتند.^۲ به هر روی و بر پایه چنین بینشی و بافتاری، روشن است که شمار بزرگتری از طایفه های درون ایل نیز طایفه های جنگاور و سوارکار بوده باشند.

برابر آیین و روش، جانشین هر یک از پایوران درگذشته باید از همخونان وی می بودند.^۳ از این رو سزاوارترین جانشین، سالدارترین همخون بازمانده سرپرست پیشین است.^۴ با این همه گاهی می شود که جانشین، بزرگترین بازماندگان نباشد. برگزیدن چنین جانشینی روی هم رفته به خواست سرپرست و پایور پیشین است که شایستگی و برتری ای در گزینه خود می دیده است.^۵ از این روی چنانچه کسی را بیرون از بازماندگان همخون به جانشینی بر می گزیدند، یا بر می گماردند، ایستادگی و تنشی پدید می آمد.^۶ آشکار است که بهترین گزیدار جانشینی، آن کسی بود که مادرش هم از بزرگزادگان می بود.^۷ هم از این روی بود و هست که بختیاریان به ویژه خاندانهای بزرگ سخت پایبند زناشویی میان

خاندانهای همسنگ بوده از زناشویی ناهمالان پرهیز داشتند.^۸

د ۲ - طایفه پیشگی:

د ۲ - ۱ - پیشه وران

برابر پژوهش ما، چنین می نماید که کارسپاری به مردان بر پایه طایفه ای که هر مردی هموند آن است انجام می گرفت و می گیرد. برای نمونه، پیشه وران که در بختیاری پیوسته به طایفه های ویژه خود دسته بندی می شوند. هر چند این برداشت امروزه کمرنگ می نماید، برخورد و یادکرد بختیارها با این گروهها ما را بسنده می نماید که بودن چنین دیدگاهی در میان بختیاران را بپذیریم. از میان این گونه گروههای پیشه ور، گیوه دوزان که بختیاران ایشان را «گیوه کش» می خوانند، خنیاگران، به گویش بختیاری «تُشمال» یا «هندی»، «چلنگران»، پیشخزیداران (= سلفخران) و کارکنان گرمابه ها (دلاکان) و مانند ایشان را می توان یاد کرد. از همه این گروهها کم و بیش با پیشوند «طایفه» سخن گفته می شود؛ طایفه گیوه کش و... همه این طایفه گونه های پیشه ور در کناره بیرونی بدنه ایل جای دارند. هموندان طایفه های دیگر از نشست و برخاست، رفت و آمد و همنشینی با ایشان خودداری می کنند. از زناشویی با ایشان هم یکسره پرهیز دارند. در روزگار گذشته که سامانه اداری ایل همچنان بر پا بود از ایشان مرد جنگی هم نمی خواستند.^۹ روشن است که این گونه مردم از داشتن اسب و سواری هم پرهیز داده می شدند. زیرا بختیاران باور داشته اند که اسبداری و سوارکاری این گونه طایفه وارها «افزونی را از ایل می برد و خشکسالی پدید می آورد!»

د ۲ - ۲ - دینیاران

گواهی ارزنده ای در دسترس است که می توان آن را نشانه ای روشن از کارسپاری بر پایه طایفه در روزگار پیشین شمرد:

«چون زارع ملک مزبور سادات امامزاده «سُلطون بُراهیم» بود، طایفه سادات جزء قسمتی ایشان

به شمار می رفت.»^{۱۰}

د ۲ - ۳ - کار ورزان

کارکنان رده های پایین تر اداری ایل را «طایفه نوکر» یا «عمله» می خواندند.^{۱۱}

د ۲ - ۴ - پایوران

پایوران سازمان اداری ایل که «میرزا» یا «وزیر» خوانده می شدند، بیشترین از طایفه «زرأسوند» zarrasvand باب «دورکی» (dowraki) شاخه «هفت لنگ» بودند.^{۱۲}

د ۳ - ارزشگذاری طایفه ها:

روی هم رفته می توان چنین دریافت که برای ارزشگذاری و رده بندی طایفه ها در بختیاری سامانه ای در کار بوده است. اندک شمار گواهیهای نوشتاری در دسترس، به همراه بازمانده کم و بیش رنگبخته روشهای مردمی کنونی، ارزشگذاری طایفه ها را چنین می نماید:

۱ - طایفه های ورجاورند (= مقدس)،

برابر بررسی، تا کنون توانسته دو گروه از این گونه طایفه ها را شناسایی کنیم: نخست طایفه هایی که با «توتم» های کهن پیوند دارند و از این رو افزون بخش (= برکت بخش) شمرده می شده اند. این گروه از طایفه ها از پرداخت سرانه ایلی (= مالیات درون ایل) و دادن کارگر رایگان (= بیگاری) بخشوده بودند. از این گونه طایفه های ورجاوند برای نمونه می توان از «طایفه کیارسی» یاد کرد.^{۱۳} دوم طایفه هایی که از تخمه شاهان روزگار باستان شناخته می شدند، همچون طایفه «کیانی».^{۱۴} ایشان هم از همان بخشودگیها که یاد کردیم برخوردار بودند. هر دو طایفه اسبدار بودند و سوارکار و در جنگها همباز.

۲ - طایفه های فرمانروا:

از این گروه، از طایفه خود ایلخانی و ایلبگی می توان یاد کرد. نیز طایفه هایی که با ایشان خویشی نزدیک داشتند. بخشودگیهایی که درباره ایشان روان می شد، همانند طایفه های ورجاوند بود.

۳ - طایفه های جنگاور:

این گروه طایفه هایی هستند که برای جنگاوریشان شناخته می شدند. بی گمان شمار بزرگتری از طایفه های بختیاری هم ایشان هستند. اسبدار و سوارکار بودند، سرانه سالانه می پرداختند و کارگر رایگان به ایلخانی می دادند. طایفه های «پایور» را می توان کم و بیش برتر از ایشان شمرد و «کارورزان» را فروتر.

۴ - طایفه های دینیار:

طایفه هایی که به «سادات» نامبردارند. در میان ایشان «میرزا» (= مرد نویسنده) هم بود، سرانه نمی پرداختند. این گونه طایفه ها به زیارتگاهها پیوند داشته اند.

۵ - طایفه های پیشه ور:

همه گروههایی که از راه کار و پیشه به جز رمه داری، گذران می کرده اند در همین گروه جای داشته اند. اسبداری و سواری و داشتن جنگ افزار برای ایشان روا نبود. مرزبندی پایگان مردمی چنان استوار بود که شکسته شدن آن و فرا شدن به پایه ای بالاتر برای مردان و طایفه ها، تنها از راه نمودن دلیری نمایان در جنگها شدنی بود.

همچنین بود برگزاری سوگواری آیینی برای مردان که تنها و تنها برای مردان بزرگ و سرشناس، به گویش بختیاری سردیاری، روا بود، مگر مردانی که در راه طایفه یا ایل کشته می شدند.

بزرگداشت فرادستان بایسته بود که اگر فرودستی، در جنگی، مردی مهتر از خود را می زد و می کشت، می گفتند: «دست بی نسبتی دراز کرده است».^{۱۵} نگهداشت مهتری مردم برای همه بایسته بود، بیچون، تا آن جا که اگر ایلخان، سرزمین فرمانروایی خانی از خانهای زیردست خود را می خواست بگیرد یا به دیگری واگذار کند، با ناخرسندی و ایستادگی آن خان رو به رو می شد.^{۱۶} هم بر همین پایه خانهای بزرگ هنگام سخن گفتن با خانهای فروتر، هر چند به خشم، باید از دشنام دادن پرهیز و خودداری می کردند.^{۱۷}

به هر روی درون خود طایفه ها نیز سامانه ای برای ارزیابی و ارزشگذاری مردم در کار بود. افزون بر شناسه های سربلندی که پیشتر و در ب ۱ یاد کردیم، بالاترین جایگاه در رده بندی درون طایفه از آن رمه داران بود. ایشان چراگاهها و کشتزارهای ویژه خود در سردسیر و گرمسیر نیز داشتند. سپس «میرزایان» پس از ایشان «میشکالان» (= میر شکاران) و در پایان «شوبان» (= شبانان) جای داشتند.

شبانان نیز چند دسته اند: شون (šun) = گوسفندبان، «گاپون» (gāpun) = گاوبان، و «هرگلون» (hargalun) = خربان. «رعیت» که نه رمه دارد و نه زمین در پایین ترین رده است. برجسته ترین سنجۀ ارزشگذاری درون طایفه، یا درون دودمان، را می توان «ناب خون» بودن به شمار آورد. به دیگر سخن آن کسی را برتر می داشتند که از سوی پدر و مادر هر دو، بختیاری باشد. کسانی را که تنها از یک سو بختیاری باشند «دو تُرغه» (do torγə) = دو رگه، می خوانند از این رو فرزندان خان را که مادرشان «خانم» (= خانزاده) نباشد «کنیز زاده» می خوانده اند. پسران زاده چنین پیوندی را هم نه «خان» که «میرزا» یا «آقا» می نامیدند.^{۱۸}

روی هم رفته می توان گمان برد که سخته نگرشی و باریک شدن بختیاریان درباره پاکی خون و پیوندهای خونی، افزون بر انگیزه های دیگر، برآیندی از باورهای «توتمیک» کهن در میان ایشان است. نکته ای که به ویژه ما را به این دریافت رهنمون می گردد آیینهای «هین/خین و کالات» (خون و کالات) است. آن چنین است که چنانچه خان یا بزرگی کشته شود، خونبها نمی پذیرند، در برابر می کشند یا می بخشایند.

* این واژه امروز به معنی نوازنده موسیقی به کار می رود.

آیین خین و کالات چنین است: گشندۀ کفن پوش، شمشیری آویخته از سینه، قرآنی بر سر، با پیشکشهایی همراه، به نزد کسان مرد کشته شده می رود. بدین روش بیشترینه، با پذیرفتن پیشکشها، بر او می بخشایند. فرانمود توتمیک آیین همانا آوردن پیشکشهاست. از این رو می توان گمان برد که پرهیز از کشتن کشته بر پایه همباوری به توتمی همگانی و همزیستی برآمده از آن استوار است.^{۱۹}

پس می توان گمان برد که یکی از انگیزه های فروتر داشتن پیشه وران نیز همین نکته باشد. زیرا ایشان را بیرون از پوشش توتم (نگهبان) ایل می پندارند.

اتریش

گواهیهها و یادآوریهها:

- ۱- دیگار، ژان پی یر: فنون کوچ نشینان بختیاری، برگردان اصغر کریمی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۲۹.
 - ۲- بختیاری، علیقلی (سردار اسعد): تاریخ بختیاری، تهران، ۱۳۶۱، صص ۳۱-۴۳۰.
 - ۳- همان، صص ۴۲۹ و ۴۳۵.
 - ۴- همان، ص ۱۷۷.
 - ۵- کوپر، میریان سی: سفری به سرزمین دلاوران، برگردان امیر حسین ظفر ایلخان بختیاری، تهران، ۱۳۳۴، ص ۵۴.
 - ۶- گاهی می شد که شاهان به انگیزه هایی، کسانی را بیرون از خاندانهای فرمانروای بختیاری به سرپرستی ایل بگمارند، که ایستادگی و نافرمانیها برانگیخته و آغاز می شد. با این همه باید یادآور شد که روشهای گرداندن ایل، تا آنگاه که سامانه اداری ایل به پیامد کارهای «رضا شاه پهلوی» فرو ریخت، دگرگونی بنیاد به خود ندید.
 - ۷- بختیاری، خسرو (سردار ظفر): یادداشتها و خاطرات، تهران، ۱۳۶۲، ص ۶۲.
 - ۸- بختیاری، علیقلی، تاریخ بختیاری، همان، ص ۲۰۰.
 - ۹- همان، ص ۴۲.
 - ۱۰- بابادی عکاشه، اسکندر: تاریخ ایل بختیاری، تهران، ۱۳۶۵، ص ۴۸۵.
 - ۱۱- همان، ص ۲۱۰. در این جا به روشنی می گوید: «در زمان سابق تیره (طایفه) نوکرباب را عمله می گفتند، چون به طور خانوار حقوق سالانه داشتند و هر کدام شغل معینی.»
 - ۱۲- همان، ص ۲۳۸.
 - ۱۳- ایران شناسی، سال هفدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۴، بیژن شاهمرادی، کیارسی طایفه ای در بختیاری، صص ۵۱-۶۳.
 - ۱۴- بختیاری، علیقلی، تاریخ بختیاری، ص ۲۱۴.
 - ۱۵- بختیاری، خسرو، یادداشتها و خاطرات، همان، صص ۲-۱۵۳.
 - ۱۶- بابادی عکاشه، اسکندر: تاریخ ایل بختیاری، همان، صص ۷، ۳۱۸-۵۴۶.
 - ۱۷- همان، ص ۵۸۶.
 - ۱۸- همان، ص ۵۶.
 - ۱۹- بختیاری، علیقلی، تاریخ بختیاری، همان، ص ۲۰۴.
- رید، تولین: انسان در عصر توحش، برگردان محمود عنایت، تهران، ۱۳۶۳، صص ۹-۳۳۸ و ۲۸۲-۲۸۳.
- آنچه که به ویژه ما را بدین برداشت رهنمون می گردد آن است که بیشترینه این بخشودگیها همراه با زناشویی دختری از خاندان یا طایفه کشته شده با خاندان کشته شده است. همچنین است پرهیز از زناشویی با طایفه های کناره ای ایل، که ایشان را بیرون از پوشش «توتم» می توان پنداشت.

Iranshenasi

A JOURNAL
OF IRANIAN STUDIES

New Series

Editor:

Jalal Matini

Associate Editor:

(In charge of English Section)

William L. Hanaway

University of Pennsylvania

Book Review Editor:

Heshmat Moayyad

Advisory Board:

Peter J. Chelkowski,

New York University

Djala Khaleghi Motlagh

Hamburg University

Heshmat Moayyad,

University of Chicago

Roger M. Savory,

University of Toronto

Former (deceased) Advisors:

Mohammad Djafar Mahdjoub

Zabihollah Safa

The Views expressed in the articles are those of the authors
and do not necessarily reflect the views of the Journal.

All contributions and correspondence should be addressed to:

The Editor: Iranshenasi

P. O. Box 1038

Rockville, Maryland 20849-1038, U.S. A.

Telephone: (301) 279-2564

Fax: (301) 279 - 2649

Requests for permission to reprint more than short
quotations should be addressed to the Editor.

Annual subscription rates (4 issues) are \$ 75.00 for individuals, \$ 65.00 for students,
and \$ 200 for institutions.

The price includes postage in the U.S.

For foreign mailing (Air Mail), add \$ 24 for Canada, \$ 48 for other countries

Iranshenasi

A JOURNAL OF IRANIAN STUDIES

New Series

Abstracts of Persian Articles by:

Bahram Gramy

Jalal Matini

M.A.R. Taleghany

Vol. XXV, No. 2, Summer 2013